

یازده سپتامبر و اپوزیسیون ایران

رضا مقدم

آمریکا برای گردن گذاشتن بر سیاستها و تصمیمات مجامع جهانی برای حفظ محیط زیست، ماجرای هواپیماهای جاسوسی آمریکا در چین، وقعی نگذاشتن به مواضع آمریکا در کنفرانس ضد نژادپرستی در آفریقای جنوبی که بالاخره در اعتراض آنرا همراه با اسرائیل ترک کرد تنها نمونه های درشت از افول موقعیت آمریکا در جهان قبل از یازده سپتامبر بود. یازده سپتامبر ضربه خوردن آمریکا از یکی از همان مناطقی بود که به علت ناتوانیش در ایجاد یک نظم جهانی جدید بلاتکلیف رها شده بود.

افول قدرت آمریکا و تقسیم قدرت میان قدرتهای امپریالیستی باعث میشود تا آنها در یک همکاری دسته جمعی مسائل مناطق بلاتکلیف را حل و فصل کنند. افغانستان و عراق دو کشور بلاتکلیف و همسایه ایران هستند که اولی دوران بلاتکلیفی خود را پشت سر گذاشت و عراق در نوبت است و هر دو تاثیراتی بر اوضاع سیاسی ایران می گذارند. البته تعیین تکلیف عراق از آنجا که معضل قدرت را در کردستان عراق نیز حل خواهد کرد تاثیرات مهمی بر اوضاع سیاسی کردستان ایران و از این نظر بر ایران خواهد گذاشت.

ایران نه جزو مناطق بلاتکلیف جهان است و نه آمریکا تحت عنوان تروریستی بودن به ایران حمله خواهد کرد. تروریسم جمهوری اسلامی اساسا علیه اپوزیسیون خودش بوده است تا علیه منافع آمریکا و غرب. هر چند در میان هیات حاکمه آمریکا نظرات متفاوتی نسبت به جمهوری اسلامی وجود دارد و از جمله بخش افراطی موسوم به بازها از حمله به ایران صحبت میکنند اما اینها نیز تنها دستمایه ای است برای تبلیغات علیه جمهوری اسلامی برای امتیاز گرفتن تا یک سیاست عملی. بعلاوه حمله آمریکا به افغانستان نه تنها مخالفتی را از طرف رژیم اسلامی بر نینانگیخت بلکه حتی مقامات رژیم اجازه ندادند تا تظاهراتی علیه آمریکا صورت گیرد که قبلا و در این مواقع بسیار معمول بود.

بعلاوه خاتمی در مسافرتی که برای شرکت در اجلاس سالانه سازمان ملل که بعلت وقوع یازده سپتامبر به تعویق افتاده بود داشت برای اولین بار اعلام داشت که اگر خود فلسطینیها رژیم اسرائیل را برسمیت بشناسند جمهوری اسلامی نیز ناگزیر از آن تبعیت خواهد کرد. عبدالله نوری بخاطر بیان چنین مواضعی در قبال اسرائیل محاکمه و مجرم شناخته شد. بعلاوه بیان مواضعی در همین چهارچوب در کنفرانسی که در تهران به نام "فلسطین، نگاه ایرانی" برگزار شد با مخالفت شدید ابوجهاد نماینده "جهاد اسلامی"، گروه طرفدار ایران در مناطق اشغالی روبرو شد. گروهی که بدنبال حماس عملیات نظامی و انتحاری خود را علیه اسرائیل متوقف ساخت. یازده سپتامبر و حمله آمریکا به افغانستان آنطور که نیروهای راست گرا و سلطنت طلب می پنداشتند یا می پندارند نه تنها باعث تضعیف رژیم اسلامی نشد بلکه موقعیت این رژیم در منطقه را تحکیم کرد. رژیم اسلامی سرعت خود را با مختصات سیاسی جهان پس از یازده سپتامبر منطبق کرد بطوریکه منافع و نظراتش بطور جدی در آینده افغانستان و رژیم آینده اش مد نظر آمریکا و اروپا و سازمان ملل قرار گرفت.

با یازده سپتامبر دوره دهساله ای که آمریکا کوشید به تنهایی و بر پایه منافع خود به جهان پس از جنگ سرد شکل دهد و موفق نشد، پایان یافت. تلاش ناموفق آمریکا که اساسا بر قدرت نظامی متکی بود اکنون بالاجبار می رود تا با مشارکت و در نظر گرفتن منافع قدرتهای جهانی دیگر نظیر اروپا، روسیه و ژاپن و چین و همچنین قدرتهای منطقه ای شکل بگیرد. در نظام امپریالیستی ای که شکل میگیرد، کارگران و زحمتکشان ایران دولتهای بزرگ امپریالیست را در کنار ارتجاع اسلامی خواهند یافت. انقلاب آتی ایران برای جارو کردن نظامی اسلامی داخلی ناگزیر است تا با منافع امپریالیسم جهانی نیز مواجه شود. و این بیش از هر چیز استراتژی سیاسی تمام نیروهایی را که در مبارزه با رژیم اسلامی امید به فشار جهانی امپریالیستها علیه رژیم اسلامی بسته اند را پوچ میسازد.

بدنبال واقعه یازده سپتامبر و حمله آمریکا به افغانستان یک نظریه کمابیش واحد در میان اپوزیسیون ایران شکل گرفت که معتقد بود آمریکا به ایران حمله خواهد کرد. اینها دو دسته اند، یک بخش که در میان نیروهای چپ هم هوادارانی یافت حمله آمریکا را محتمل می دانند اما موافق آن نیستند و در تلاشند تا نشان دهند که اهداف و منافع آمریکا علیه رژیم اسلامی با اهداف و منافع مردم ایران علیه رژیم اسلامی متفاوت و متضاد هستند. بخش دیگر که اساسا نیروهای راستگرا و سلطنت طلب هستند حمله آمریکا به ایران را قطعی می دانند. این نیروها استراتژی خود را بر اساس حمله آمریکا علیه ایران گذاشته اند و اساسا در مبارزه آنها علیه رژیم ایران، آمریکا و غرب نقش اساسی و محوری دارند. در مقابل ما بر این نظریه تاکید کردیم که آمریکا به ایران حمله نخواهد کرد.

واقعیت اینست که آمریکا به ایران حمله نخواهد کرد و تغییر رژیم ایران همچنان متکی است بر مکانیسم های مبارزات مردم ایران علیه جمهوری اسلامی. حتی باید احتمال دفاع آمریکا و غرب از رژیم جمهوری اسلامی و یا جناحهایی از آنرا در مقابل برآمد یک جنبش توده ای که دارای مطالبات رادیکال و خواهان تغییرات ریشه ای باشد را مد نظر داشت. استراتژی نیروهای راستگرا و سلطنت طلب باعث میشود تا آنها همچنان بیرون از چهارچوب مبارزات مردم ایران علیه رژیم اسلامی باشند و در حاشیه جبهه اصلی این مبارزه قرار بگیرند. اینها در بهترین حالت بمشابه یک گروه فشار گاهی مورد استفاده قرار خواهند گرفت.

پس از افغانستان، آمریکا به ایران حمله نخواهد کرد چرا که حمله آمریکا به افغانستان بعلت فوق ارتجاعی بودن و ضد مردمی بودن طالبان ها نبود. دولت بوش در خود آمریکا قوانینی را به مورد اجرا گذارده است که آزادی های فردی و همچنین حقوق متهمین در آمریکا را شدیداً محدود می کند. در کشورهای اروپایی نیز از این جنس قوانین به مورد اجرا گذاشته شده و مخالفت نیروهای چپ و مترقی این جوامع را برانگیخته است. توسط آمریکایی ها یک ژنرال کودتاچی در پاکستان مورد بخشش قرار گرفت، تحریمهای علیه رژیمش که بعلت داشتن سلاح اتمی و آزمایش آن بود لغو شد و کمکهای مالی هنگفت دریافت کرد تا بتواند نیروهای اسلامی طرفدار بن لادن در پاکستان را کنترل کند. بعلاوه مستقل از روابط حمایت آمیز آمریکا با طالبان قبل از یازده سپتامبر، آمریکایی ها تلاش کردند که رژیم آینده افغانستان را با بخشی از طالبان بسازند. آمریکا تنها زمانی دست از حمایت از طالبان برداشت که عملاً به او نشان داده شد که دیگر نمی تواند به تنهایی تصمیم بگیرد. با حمایت قاطع روسیه از ائتلاف شمال و دفاع از ایجاد یک رژیم بدون طالبان حتی ژنرال مشرف هم فهمید که برای اینکه منافع پاکستان در افغانستان به رسمیت شناخته شود داشتن حمایت آمریکا به تنهایی کافی نیست و قدرت آمریکا علیرغم ظاهر هیاهویی که برپا شده نسبت به گذشته افول کرده است. برای آینده افغانستان ناچار شدند نه تنها نظر دیگر قدرتهای جهان بلکه حتی نظر قدرتهای منطقه ای و دولتهای محلی را نیز مد نظر قرار دهند. دهسال قبل، پدر جرج بوش برای حمله نظامی به عراق حتی احتیاجی به جلب توافق گریباچف ندید اما پسرش باید توافق بسیاری را از جمله شیخ نشین های خلیج فارس را هم جلب کند! شتاب افول قدرت آمریکا در سطح جهان بعنوان تنها ابرقدرت جهان در چند ساله اخیر بویژه پس از به قدرت رسیدن جرج بوش رو به افزایش بود. اخراج آمریکا از یکی از مهمترین کمیته های سازمان ملل، فشار خرد کننده به

به نقل از

بارو

شماره سوم، دیماه ۱۳۸۰ (دسامبر ۲۰۰۱)

ماهنامه اتحاد سوسیالیستی کارگری
www.wsu-iran.org